

چگونه توانستیم بی علاقی و بی توجهی دانش آموز پایه ششم نسبت به انجام تکالیف را رفع نمایم: مطالعه‌ی موردی

کیوان قبادی

کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران
qobadik@gmail.com

گلاره چوپانیان

کارشناس، علوم تربیتی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران
Golichoupanian@gmail.com

محمد بشیری

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
Bashiri2312@gmail.com

یحیی مردوخی

کارشناس ارشد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
yahyamardokhi@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و رفع مشکل بی‌علاقگی و کم‌کاری در انجام تکالیف یکی از دانش‌آموزان پایه ششم دبستان شهید فرید تعریف (شهرستان کامیاران) انجام شد. این مطالعه به روش اقدام‌پژوهی کیفی و با گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه با والدین، جلسات با کادر آموزشی مدرسه (معلمان، معاون، و مدیر)، و بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که علت اصلی مشکلات دانش‌آموز، نیازهای عاطفی برآورده‌نشده و عدم اعتمادبه‌نفس ناشی از روش‌های نامناسب تکلیف‌دهی و بازخورد بود. بر این اساس، راهکارهای اجراشده در سال تحصیلی هزار و چهارصد و سه - هزار و چهارصد و چهار شامل این موارد شد: برنامه‌ریزی منظم و پرهیز از اجبار در انجام تکالیف، اصلاح رفتار والدین و ایجاد محیطی حمایتی در خانه و مدرسه، استفاده از بازخوردهای مثبت، تکالیف عملکردی و گروهی، تشویق پس از انجام مطلوب تکالیف و در نظر گرفتن زمان استراحت. نتایج حاکی از پیشرفت چشم‌گیر دانش‌آموز بود؛ به طوری که پس از اجرای راهکارها، مشارکت در فعالیت‌های گروهی افزایش یافت، اعتمادبه‌نفس او بهبود پیدا کرد، و در کارنامه توصیفی نوبت اول، موفق به کسب رتبه "خیلی خوب" در چندین درس شد. این پژوهش کاربرد عملی در زمینه بهبود انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با ویژگی‌های مشابه دارد.

واژگان کلیدی: اقدام‌پژوهی، برنامه‌ریزی، بی‌علاقگی، اعتمادبه‌نفس، بازخورد متناسب.

مقدمه

هرچند بیشتر یادگیری‌ها در مدرسه اتفاق می‌افتد، اما مقدار قابل توجهی از یادگیری هم در بیرون از آن رخ می‌دهد. تکلیف درسی نوعی یادگیری خارج از مدرسه است (شیربگی و وکیلی؛ ۱۳۹۲). تکلیف درسی یکی از محبوب‌ترین و در عین حال، بحث‌برانگیزترین استراتژی‌های آموزشی است که تاثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌گذارد (روزاریو^۱ و همکاران؛ ۲۰۱۸). از طرفی تکلیف دانش‌آموز دوره ابتدایی همواره به عنوان یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری یادگیری مطرح بوده و در هر دوره متناسب با نوع برداشت از یادگیری، شکل و نوع تکلیف نیز متفاوت بوده است (سیف، ۱۳۹۱).

در زمینه مدیریت تکالیف درسی، نحوه فراهم ساختن محیطی آرام و مناسب یکی از مشکلات موجود است (هو و وو؛ ۲۰۱۳). مساله دیگر، به حواسپرتی‌های گوناگون مربوط است که اغلب در طول زمان انجام تکالیف، اتفاق می‌افتد. همچنین مساله‌انگیزش پایین و حالت‌های هیجانی دانش‌آموزان در هنگام انجام تکالیف در مطالعاتی گزارش شده است (لئون^۲ و ریچاردز^۳، ۱۹۸۹). بنابراین تکلیف درسی اغلب به یک مساله عاطفی تبدیل می‌شود که معمولاً دانش‌آموزان احساس می‌کنند نه تنها خودشان بلکه والدین و معلمان هم اذیت می‌شوند؛ تاحدی که گاهی انجام تکلیف متوقف یا کاملاً رها می‌شود (بگلی^۴؛ ۱۹۹۸). اینکه چگونه دانش‌آموزان وادار شوند تا تکلیف‌شان را انجام دهند یکی از مشکلات رفتاری معمول دانش‌آموزان است که معلمان در آن ناکام بوده‌اند (کیلرن^۵؛ ۲۰۰۳). اهداف تکلیف درسی، اغلب به وسیله برنامه‌ریز درسی و معلمان تعیین می‌شود اما گاهی یک هدف واحد را دنبال می‌کند. کورنو^۶ (۲۰۰۰) هدف اصلی از ارائه تکلیف درسی را کمک به دانش‌آموز برای توسعه عادات صحیح مطالعه و راهبردهای مطلوب خودتنظیمی می‌داند. لازم است دانش‌آموز ابتدایی پس از بازگشت از مدرسه برنامه‌ای منظم جهت انجام تکلیف و مطالعه‌ی دروس داشته باشد. تا عادات به مطالعه و تلاش و پیگیری مستمر دروس پس از بازگشت از مدرسه از همین ابتدا در کودک شکل گیرد.

پنتریچ^۸ (۲۰۰۰) و تراوتوین و کولر^۹ (۲۰۰۳) معتقدند که تکلیف درسی باعث افزایش خود تنظیمی، خودباوری، تنظیم اهداف، مدیریت زمان، مدیریت محیط، حفظ توجه و خود اثر بخشی می‌شود. خو (۲۰۱۱) در مطالعات خود که بعد از انجام تحلیل عاملی اکتشافی روی مقیاس اهداف تکلیف (۲۰۱۰) انجام داد نشان داد که دلایل آموزش-گرایی اهداف تکلیف بیشتر دنبال تقویت یادگیری مدرسه و بسط احساس مسئولیت دانش‌آموز است در واقع این بعد از اهداف تکلیف در مورد یادگیری خود تنظیمی است. سواری و نیسی (۱۳۹۲) در پژوهشی که خود نشان دادند که بین خود تنظیمی تحصیلی با گرایش به تکالیف درسی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد و از طریق خود

¹- Rosario

²- Xu, & Wu

³- Leone

⁴- Richards

⁵- Begley

⁶- Kill Oran

⁷- Corn

⁸- Pintrich

⁹- Trautwein & Koller

تنظیمی تحصیلی می‌توان گرایش به تکالیف درسی را پیش‌بینی کرد. رادمس و زیمرمن (۲۰۱۱) طی مطالعاتی که انجام دادند، نشان دادند که بین خود تنظیمی و تکالیف مدرسه ارتباط وجود دارد. بمبنیوتی (۲۰۱۰) فراگیران دارای یادگیری خودتنظیمی بالا و با باورهای خود اثر بخشی تمایل دارند که ارضای نیازهای خود را به عقب بیندازند و علاقه درونی به درس‌ها دارند و برای تکمیل تکالیف درسی از خود فعالیت بیشتری نشان می‌دهند.

با عنایت به مطالب فوق و به پشتوانه‌ی تئوری نظریه خودتعیین‌گری (SDT) تأمین نیازهای اساسی خودمختاری، شایستگی و ارتباط می‌تواند انگیزه درونی دانش‌آموز را افزایش دهد همچنین نظریه یادگیری اجتماعی (بندورا): تأثیر الگوهای رفتاری (معلم/والدین) و تقویت مثبت در شکل‌گیری رفتارهای مطلوب. نحوه‌ی انجام تکالیف در دوره‌ی ابتدایی ادراک دانش‌آموزان از تکالیف درسی میزان انگیزش و درگیری تحصیلی آنان را پیش‌بینی می‌کند. بر این اساس باورهای ارزش تکلیف نقش مهمی در به کارگیری راهبردهای یادگیری جهت خود تنظیمی دانش‌آموزان دارد و همچنین اهمیت مباحث مربوط به ادراک دانش‌آموز نسبت به تکالیف درسی و اهدافی که دانش‌آموز برای انجام تکالیف درسی خود انتخاب می‌کند در پیشرفت تحصیلی آنان موثر است. بنابراین پژوهش حاضر سعی دارد به این مسئله بپردازد که بی‌علاقگی دانش‌آموزان در انجام تکالیف چه تاثیری در روند آموزش و یادگیری آنان دارد لذا پژوهشگر به طور مشخص به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر بی‌علاقگی و بی‌توجهی دانش‌آموز (مورد مطالعه: آرشا علی‌محمدی، پایه ششم) در انجام تکالیف درسی و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود این مشکل است.

تأثیرات بی‌علاقگی بر یادگیری و مداخلات هدفمند



شکل ۱: مدل ساختاری

وضع موجود و اهداف

موضوع این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر بی‌علاقگی و بی‌توجهی دانش‌آموز (مورد مطالعه: آرشا علی محمدی، پایه ششم) در انجام تکالیف درسی و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود این مشکل است. تمرکز اصلی بر نقش یادگیری خودتنظیمی، انگیزش درونی، و مدیریت محیطی در فرآیند انجام تکالیف است.

هدف اصلی شناسایی دلایل بی‌انگیزگی دانش‌آموز مورد مطالعه در انجام تکالیف و یافتن راهکارهایی برای افزایش علاقه و توجه او به تکالیف درسی است. اهداف فرعی، افزایش اعتماد به نفس و تقویت انگیزش درونی دانش‌آموز، بهبود عملکرد تحصیلی از طریق توسعه مهارت‌های خودتنظیمی (مانند مدیریت زمان و حفظ توجه) و بررسی تأثیر عوامل محیطی (مانند حواس‌پرتی و فضای مطالعه) بر عملکرد تکالیف است.

اهمیت و ضرورت:

اهمیت تکالیف در یادگیری: انجام تکالیف درسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در فرآیند یادگیری، نقش بسزایی در تقویت خودتنظیمی و استقلال تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر بهبود انجام تکالیف، به دنبال ارتقای این مهارت‌های کلیدی است. پیامدهای منفی بی‌علاقگی: بی‌علاقگی دانش‌آموزان در سنین پایین می‌تواند به مشکلات روانی-اجتماعی نظیر کاهش اعتماد به نفس، اضطراب تحصیلی و افت عملکرد منجر شود. این پژوهش با شناسایی و رفع عوامل مؤثر، از تشدید این چالش‌ها در آینده جلوگیری می‌کند. کاربرد علمی نتایج: یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان راهنمای عملی برای معلمان (در طراحی تکالیف جذاب)، والدین (در ایجاد محیط یادگیری مناسب) و دانش‌آموزان (در مدیریت تکالیف) مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه‌ی پژوهشی:

پژوهش‌های متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر انجام تکالیف درسی و نقش ذی‌نفعان در این فرآیند پرداخته‌اند. شیربگی و وکیلی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای نشان دادند که بین نگرش دانش‌آموزان به تکالیف درسی و راهبردهای مدیریت تکالیف همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته حاکی از آن است که بهبود نگرش دانش‌آموزان می‌تواند به مدیریت بهتر تکالیف منجر شود. در همین راستا، اپستین^۱ و ون‌ورهیس^۲ (۲۰۰۱) بر نقش معلمان و والدین در فرآیند انجام تکالیف تأکید کرده‌اند. پژوهش کوپر، لیندسی^۳ و نی^۴ (۲۰۰۰) نیز نشان می‌دهد که حمایت والدین از استقلال عمل دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی و انجام کامل تکالیف رابطه مثبت دارد، در حالی که دخالت مستقیم والدین تأثیر منفی بر پیشرفت تحصیلی دارد.

سیف (۱۳۹۱) با تأکید بر اهمیت تکالیف در فرآیند یادگیری معتقد است که اگرچه بخش عمده یادگیری باید در کلاس درس صورت پذیرد، اما فعالیت‌های خارج از مدرسه می‌توانند مکمل یادگیری باشند. وی خاطرنشان می‌کند که در مواردی که توضیحات ارائه شده در کلاس برای برخی دانش‌آموزان کافی نیست، تعیین تکالیف مناسب و متناسب با نیاز هر دانش‌آموز می‌تواند به یادگیری بهتر آن‌ها کمک کند.

¹- Epstein

²- Van-Voorhis

³-Lindsay

⁴ Nye-

کورنو (۲۰۰۰) در پژوهش خود به بررسی علل بی میلی دانش آموزان به انجام تکالیف پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دانش آموزان عمدتاً سه عامل مزاحمت‌های درون خانه، عدم جذابیت تکالیف و تماشای تلویزیون را به عنوان موانع اصلی انجام تکالیف ذکر کرده‌اند. از سوی دیگر، معلمان نیز عدم علاقه به درس و مدرسه، حجم زیاد تکالیف و عدم رسیدگی و کنترل والدین را از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بی‌علاقگی دانش آموزان دانسته‌اند. بر اساس این پژوهش‌ها و با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه با والدین و همکاران، راهکارهای عملی و قابل اجرایی طراحی شد که وظایف هر یک از ذی‌نفعان (والدین، معلمان و دانش آموز) را به وضوح مشخص می‌کند. این رویکرد مبتنی بر یافته‌های علمی، امکان مداخله مؤثر و هدفمند در حل مشکل بی‌علاقگی دانش آموز به انجام تکالیف را فراهم می‌آورد.

روش شناسی

روش پژوهش حاضر، کیفی و از نوع اقدام پژوهی است. اقدام پژوهی روشی برای ارتقا و توسعه فرایند به‌سازی است که شامل توصیف مسئله، جستجوی دانش از تحقیقات پیشین، جمع‌آوری اطلاعات، تهیه و اجرای راهبرد برای تغییر وضعیت، ارزشیابی نتایج، برنامه‌ریزی برای بهبود دوره‌های دیگر است (ریتا و همکاران، ۲۰۱۲). هدف پژوهش حاضر، بهبود عمل کرد و ایجاد علاقه در دانش آموز پایه ششم در انجام تکالیف درسی است. بدین منظور از چرخه اقدام پژوهی بازرگان (۱۳۹۸) استفاده شده است که به‌طور کلی شامل چهار حلقه است که عبارت از برنامه‌ریزی، اقدام، مشاهده و بازتاب است.

جدول (۱) مراحل اقدام پژوهی

حلقه‌ها	مراحل	گام‌ها
	گام مقدماتی	* انتخاب زمینه پژوهش
		* مطالعه اسناد و مدارک
		* تدوین طرح و فراهم کردن مقدمات اجرایی
برنامه‌ریزی	گام آماده‌سازی شرایط	* تصویب طرح
		* درک شرایط موجود
		* تقویت مهارت‌های برقراری ارتباط و دعوت از شرکت‌کنندگان در اجرای طرح
گام تدوین طرح اقدام پژوهی		* توجه به اخلاق پژوهش
		* تشخیص جنبه‌های اصلی مورد نظر برای اقرام و بهبود
		* بیان وضعیت مطلوب و ملاک‌ها
اقدام	مرحله اقدام	* گردآوری داده‌ها درباره وضعیت موجود
		* بازنگری گزینه‌های ممکن برای اقدام پژوهی
		* اجرای اقدام بهینه
مشاهده	مرحله مشاهده	* گردآوری داده‌ها در خصوص تأثیر اقدام بهینه
بازتاب	مرحله تحلیل و تعدیل	* تحلیل شواهد تأثیر اقدام و تهیه گزارش
		* گردهمایی ناظران و تهیه گزارش نهایی
		* ارزیابی تحقیق

این پژوهش در دبستان پسرانه شهید تعریف در شهرستان کامیاران، انجام شده است. این مدرسه دارای ۱۱ کلاس و ۱۲ نفر آموزگار و ۳ نفر عوامل اجرایی، مربی ورزش، بهداشت و مشاور می‌باشد. در این دبستان در هر پایه تعداد دانش‌آموز ۲۵ نفر می‌باشد که مشغول به یادگیری و آموزش هستند. مدرسه در ۴ طبقه دارای امکانات مناسبی می‌باشد.

والدین دانش‌آموزان در این منطقه از شهر، از سواد کمی برخوردارند و تا پایه‌های ابتدایی و یا راهنمایی و نه‌بالاتا فوق دیپلم، درس خوانده‌اند. در خیلی از موارد قادر به کمک به فرزندان خود در امر تحصیل نیستند و از نظر مالی هم در حد متوسط و کم برخوردار هستند، که این امر بر دانش‌آموزان این منطقه بی‌تاثیر نیست. جهت کسب اطلاعات بیشتر، از روش کیفی استفاده شد که با توجه به ماهیت موضوع از ابزارهایی مانند: مشاهده، مصاحبه با والدین و بررسی عملکرد دانش‌آموز استفاده شده است. در ابتدا امکانی به وجود آمد که با یکی از والدین دانش‌آموز مصاحبه کوتاهی به عمل آورده شود تا اطلاعات کلی از شرایط تحصیلی دانش‌آموز به دست آید. پس از مصاحبه، داده‌هایی را که مورد نیاز بود به صورت یادداشت‌های کوتاه جمع‌آوری کردم. در بررسی‌های به عمل آمده از مصاحبه با والدین، این نتایج حاصل شد:

دانش‌آموز در دوران کرونا به صورت رسمی وارد مدرسه شده و بیشتر دوره‌ی اول را به صورت مجازی سپری کرده است، در این برهه‌ی حساس با کمک خودمان و افراد خانواده سعی بر آن داشتیم که دچار افت تحصیلی نشود لذا بیشتر مواقع سعی کردیم در یادگیری مطالب و انجام تکالیف او را کمک نماییم. اگرچه اهمال کاری و بی‌علاقگی او را در نوشتن مشق و انجام تکالیف مشاهده می‌کردیم برای جبران و عقب‌نماندن آرشا از هم‌کلاسی‌هایش بیشتر تکالیف را خواهر بزرگتر انجام می‌داد. در سال‌های اخیر نیز این روند ادامه داشت و بیشتر اوقات معلمین آرشا از عدم سرزندگی تحصیلی ایشان رنج می‌بردند و همواره ما نیز شاهد عدم نظم و بی‌مبالاتی آرشا در انجام فعالیت‌های مدرسه بوده ایم به صورتی که بیشتر مواقع ابراز می‌دارد که تکلیفی برای انجام دادن واگذار نشده و در خانه نیز علاقه‌ای به انجام تکالیف نشان نمی‌دهد. آن‌ها اشاره کرده‌اند که بیشتر زمان خود را به بازی یا فعالیت‌های غیر درسی اختصاص می‌دهد. و ما زیاد با او وقت خود را نمی‌گذرانیم. در مورد انجام ندادن تکالیف و عملکرد ضعیف اگرچه خیلی از او انتقاد می‌کنم و او را با دوستانش مقایسه می‌کنیم اما نتیجه‌ی مطلوبی را دریافت نکرده ایم.

اما مشکل اصلی دانش‌آموز که والدین هم به آن اذعان داشتند عدم انجام تکالیف و فعالیت مطلوب در کلاس بود. در این راستا پژوهشگر بر آن شد تا ویژگی‌های شخصیتی، انگیزشی و عوامل مرتبط با این امر را مد نظر قرار دهد. به صورتی که آرشا پسر مهربان و آراسته و خجالتی و طبق گزارش مربی بهداشت مدرسه دارای وزن ۷۱ کیلوگرم، قد ۱۶۰ سانتیمتر و BMI ۲۷، حدود ۱۷ کیلوگرم اضافه وزن دارد. بینایی او کاملاً سالم است. اگرچه سعی می‌کند با دوستانش به خوبی رفتار کند اما ابراز احساسات را به خوبی بلد نیست و به راحتی با دیگران ارتباط برقرار نمی‌کند. آرشا دانش‌آموز متوسط و رو به ضعیف کلاس است و به طوری که در کلاس فعالیت و درگیری لازم را در انجام تکالیف ندارد، در بحث کلاسی شرکت نمی‌کند و به طور کلی درگیری تحصیلی مطلوبی ندارد؛ همین امر باعث شده پیشرفت چندانی نداشته باشد. اما با توجه به ظاهر و صحبت‌های او، متوجه شدم علاقمند به پیشرفت است.

من با آرشا آشنا شده بودم و به عنوان یک معلم وظیفه آموزش او را باید انجام می‌دادم، تلاش می‌کردم در مدت‌سال تحصیلی، مشکلات درسی او را به حداقل برسانم. از طرفی دیگر در کلاس با دانش‌آموزی روبرو بودم که به نظر مستعد در یادگیری بود. اما متأسفانه تکالیفش را انجام نمی‌داد و همین امر باعث ضعفش در کلیه امور شده بود. به همین دلیل بر آن شدم بدون مرتکب شدن به عمل پیش‌گویی خودکام‌بخش در مورد ایشان برای مرتفع شدن این معضل، با استفاده از منابع گوناگون و متنوع موجود، چاره‌ای بی‌اندیشم.

براین اساس اوایل سال تحصیلی جدید بود که متوجه شدم که آرشا تمایلی به مشارکت در کارهای گروهی نشان نمی‌داد و اغلب از فعالیت‌های گروهی کناره‌گیری می‌کرد. در مواردی که به او مسئولیتی در گروه واگذار می‌شد، یا آن را نادیده می‌گرفت یا به طور ناقص انجام می‌داد. به نظر می‌رسید که در فعالیت‌های گروهی، خود را بی‌اهمیت یا کمتر از دیگران می‌پندارد و گاهی از قبول مسئولیت‌های ساده نیز امتناع می‌کرد. در مواردی که سایر هم‌کلاسی‌ها برای ایده‌پردازی یا بحث

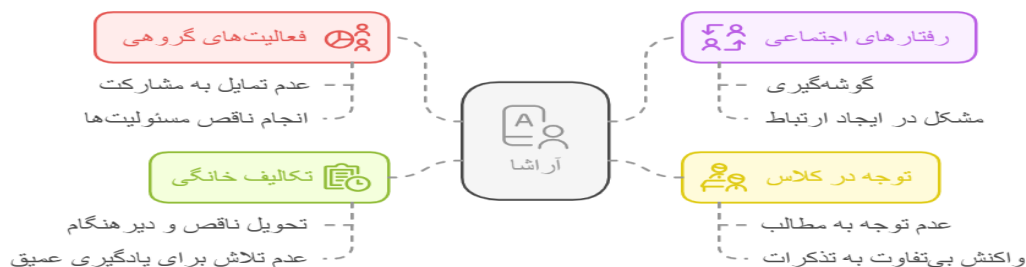
گروهی مشارکت می‌کردند، آرشا اغلب سکوت می‌کرد یا به طور کلی از بحث خارج می‌شد. هنگام انجام فعالیت‌های عملی (مانند کارهای هنری، آزمایش‌های علمی، یا پروژه‌های عملی)، آرشا تمایلی به درگیر شدن نداشت و تنها زمانی که به او تذکر داده می‌شد، به طور محدود مشارکت می‌کرد. عملکرد او در این فعالیت‌ها سطحی و بدون توجه به جزئیات بود و نشان می‌داد که انگیزه کافی برای یادگیری عملی ندارد. اگر فعالیتی به صبر و تمرکز نیاز داشت، اغلب با حواس‌پرتی و ترک نیمه‌کاره فعالیت، عدم تعهد خود را نشان می‌داد.

آرشا رفتارهای اجتماعی محدودی با دوستانش داشت و اغلب گوشه‌گیر بود. او به ندرت در بحث‌ها و بازی‌های گروهی شرکت می‌کرد و بیشتر اوقات ترجیح می‌داد تنها باشد. در تعاملاتش، گاهی حالت بی‌حوصلگی و حتی عصبانیت دیده می‌شد، به خصوص وقتی که از او درخواست همکاری یا تعامل می‌شد. به نظر می‌رسید که در ایجاد ارتباط دوستانه با همکلاسی‌ها مشکل دارد و ممکن است اعتماد به نفس اجتماعی او پایین باشد. در طول تدریس، آرشا اغلب بی‌توجه به مطالب بود و به ندرت در بحث‌های کلاسی شرکت می‌کرد. زمانی که از او سوالی پرسیده می‌شد، یا جواب نمی‌داد یا پاسخ‌های کوتاه و غیر دقیق ارائه می‌کرد. به نظر می‌رسید که علاقه‌ای به نشان دادن توانایی‌های خود در کلاس ندارد و از جلب توجه معلم یا همکلاسی‌ها اجتناب می‌کرد. زمانی که من به دلیل عدم انجام تکالیف یا مشارکت ضعیف تذکر می‌دادم، واکنش‌های بی‌تفاوت یا حتی منفی از خود نشان می‌داد. به جای اصلاح رفتار، معمولاً به دنبال توجیه یا دلایل ظاهری برای کم‌کاری خود بود. تکالیف آرشا اغلب ناقص، دیر یا با کیفیت پایین تحویل داده می‌شد. به نظر می‌رسید که او تکالیف را صرفاً برای رفع مسئولیت انجام می‌دهد و هیچ تلاشی برای ارائه کار بهتر یا یادگیری عمیق‌تر نمی‌کند. گاهی اوقات حتی مشخص بود که تکالیف را به صورت عجولانه و بدون دقت کافی انجام داده است. کیفیت پاسخ‌ها و دقت او در انجام تکالیف بسیار پایین بود. در آزمون‌های کلاسی یا ارزشیابی‌ها، معمولاً نتیجه مطلوبی کسب نمی‌کرد. علاقه‌ای به پرسیدن سؤال یا رفع اشکالات خود نداشت. تجزیه و تحلیل داده‌ها:

نتایجی که از گفت‌وگو با اولیا و مشاهده رفتار دانش‌آموز حاصل شد عبارتند از:

- دانش‌آموز بیشتر زمان دوره اول ابتدایی را به صورت مجازی سپری کرده است.
- حمایت والدین و اعضای خانواده منجر به عدم افت تحصیلی آرشا شده است.
- بیشتر تکالیف و فعالیت‌ها را اعضای خانواده انجام داده‌اند.
- اخیراً با توجه به بالا رفتن پایه‌ی تحصیلی آرشا دیدگاه خانواده این است که باید خودش تکالیف را انجام دهد.
- عدم تمایل به انجام تکالیف
- اولویت دادن به بازی و فعالیت‌های غیردرسی
- کمبود تعامل کیفی والدین با دانش‌آموز
- استفاده مکرر از انتقاد و مقایسه با همسالان
- عدم ارائه بازخورد مثبت برای تلاش‌ها
- نبود برنامه‌ریزی منظم برای مطالعه

مشکلات اجتماعی و آموزشی آرشا



شکل ۲: شماتیک یافته‌ها

ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی

به‌منظور به‌کارگیری راه‌حل‌های مناسب برای رفع و یا کاهش وضعیت نامطلوب، ابتدا به جست‌وجو در منابع و پژوهش‌های منتشرشده در نشریه‌های علمی پرداختیم سپس راه‌حل‌های مناسب را در جدول (۲) گردآوری کردیم. مطالعه نظریه‌ها در این رابطه:

نظریه خودتعیین‌گری (Self-Determination Theory): این نظریه بیان می‌کند که دانش‌آموزان زمانی انگیزه بیشتری برای یادگیری دارند که سه نیاز اساسی آن‌ها برآورده شود:

- نیاز به خودمختاری: اگر آرشا احساس کند تکالیف به او تحمیل می‌شوند و آزادی انتخاب ندارد، احتمالاً انگیزه‌اش کاهش می‌یابد.

- نیاز به شایستگی: شاید او احساس کرده باشد که توانایی کافی برای انجام درست تکالیف ندارد، بنابراین تلاش نمی‌کند.
- نیاز به ارتباط: نبود احساس حمایت و ارتباط مثبت با معلم یا همکلاسی‌ها می‌تواند منجر به بی‌علاقگی او شود.

نظریه انگیزش درونی و بیرونی (Intrinsic and Extrinsic Motivation): اگر آرشا فقط به دلیل فشار بیرونی (مانند تذکر معلم یا والدین) تکالیفش را انجام می‌دهد، انگیزه درونی او برای یادگیری و پیشرفت کاهش یافته است.

نظریه یادگیری اجتماعی (Social Learning Theory): این نظریه نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از محیط اطراف خود، به ویژه همکلاسی‌ها و والدین، الگو می‌گیرند. اگر آرشا شاهد رفتارهای مشابه بی‌توجهی به تکالیف در اطرافیان بوده باشد، ممکن است این رفتار را تقلید کرده باشد. عملکرد و رفتار آرشا در اوایل سال تحصیلی نشان می‌دهد که او به دلیل ترکیبی از عوامل روانی، محیطی و اجتماعی دچار بی‌علاقگی به انجام تکالیف شده است. برای طراحی راهکارهای موثر، لازم است که علاوه بر شناسایی دقیق دلایل این بی‌علاقگی، از نظریه‌های علمی یادگیری و انگیزش نیز بهره‌گیری شود. رفتار و عملکرد آرشا در اوایل سال تحصیلی نشان می‌دهد که او در جنبه‌های مختلف یادگیری (فردی و گروهی)، تعاملات اجتماعی، و انگیزه درونی با مشکلاتی مواجه است. این شواهد می‌تواند نشان‌دهنده عواملی همچون کمبود اعتماد به نفس، نداشتن انگیزه کافی، یا مشکلات عاطفی و اجتماعی باشد که نیاز به بررسی و مداخله دقیق‌تر دارد.

پس از بررسی‌های مختلف متوجه شدم کمبود مشکلات عاطفی و عدم اعتماد به نفس آرشا، می‌تواند علت اصلی بروز این مشکل باشد. زیرا شواهد اولیه نشان می‌دهد که آرشا در انجام فعالیت‌های گروهی و فردی اغلب گوشه‌گیر بوده و تمایلی به مشارکت نشان نمی‌دهد. این رفتارها معمولاً ناشی از احساس عدم اعتماد به نفس و ترس از اشتباه کردن در جمع است. همچنین، در تعاملات اجتماعی، او از برقراری ارتباط با همکلاسی‌ها اجتناب می‌کند و در انجام فعالیت‌های عملی نیز بی‌علاقگی و بی‌حوصلگی نشان می‌دهد. این موارد می‌تواند نشان‌دهنده مشکلات عاطفی باشد که ممکن است شامل اضطراب،

احساس کم‌ارزشی، یا عدم دریافت حمایت عاطفی کافی از محیط خانواده یا مدرسه باشد. رفتارهای او هنگام انجام تکالیف نیز مؤید این مسئله است؛ تکالیف را ناقص و با بی‌دقتی انجام می‌داد که بیانگر عدم انگیزه درونی و باور به توانایی‌های خود است. زمانی که از او بازخورد خواسته می‌شد یا مورد انتقاد قرار می‌گرفت، واکنش‌های منفی یا بی‌تفاوتی نشان می‌داد که می‌تواند به دلیل تجربه‌های منفی قبلی یا ترس از شکست باشد.

به طور کلی، بی‌علاقگی آرشا به انجام تکالیف به احتمال زیاد به این دلایل مرتبط است:

- عدم اعتماد به نفس: او به توانایی‌های خود ایمان ندارد و فکر می‌کند که تلاش‌هایش ارزشی ندارد یا کافی نیست.
- مشکلات عاطفی: احساس عدم حمایت یا درک از سوی اطرافیان، چه در خانه و چه در مدرسه، می‌تواند انگیزه و مشارکت او را تضعیف کند.
- فقدان تقویت مثبت: ممکن است آرشا به اندازه کافی تجربه‌های موفق و تشویق‌های مؤثر نداشته باشد تا انگیزه و اعتماد به نفسش تقویت شود.

جدول (۲) راه‌حل‌های پیشنهادی

ردیف	حیطه	راه‌کار	شیوه‌اجرا
۱	مداخلات روان‌شناختی	تقویت مثبت تقویت خودکارآمدی	استفاده از تشویق، شناخت علایق و تاکید روی نقاط قوت دانش‌آموز
۲	مداخلات آموزشی	تعدیل حجم تکالیف یادگیری مشارکتی	کاربرگ‌های با اشکال و محتوای تلفیقی با هنر، ارائه‌ی تکالیف گروهی و مشارکتی در کلاس
۳	مداخلات حمایتی	مشارکت خانواده برنامه‌ریزی زمانی	واگذاری بررسی و سنجش قسمتی از تکالیف به والدین و برنامه‌ریزی روزانه انجام تکالیف
۴	پایش و ارزیابی	ارزش‌یابی توصیفی ثبت هفتگی	ارزیابی طولی و مستمر روند انجام تکالیف و اختصاص زمان مناسب جهت این امر

انتخاب راه حل، اجرا و نظارت بر آن

به‌منظور بهبود شرایط و افزایش علاقه دانش‌آموز به انجام تکالیف، از راهکارهای ۱، ۲ و ۳ به صورت اختصاصی و ۴ به صورت کلی برای همه‌ی دانش‌آموزان استفاده کردم. در وهله اول با استناد به یادداشت‌هایی که هنگام مشاهده عملکرد دانش‌آموز در کلاس و مصاحبه‌های انجام‌شده فراهم کرده بودم، به شناسایی و فهرست کردن علاقه‌مندی‌های دانش‌آموز پرداختم.

جدول (۳) علایق دانش‌آموز

بازی کردن با گوشی
بازی با اسباب بازی
فعالیت‌های عملی

همان‌گونه که ذکر شد برای شناخت علایق دانش‌آموز به مشاهدات و مصاحبه‌هایی که انجام داده‌بودم استناد کردم؛ این کار باعث افزایش علاقه دانش‌آموز و انگیزه بیشتر وی برای همکاری در پژوهش شد که این نکته از طریق پیام‌هایی که دریافت کردم قابل مشاهده بود. همانگونه که در جدول، بیان شده دانش‌آموز علاقه زیادی به کار با گوشی و فضای مجازی دارد و این نکته باعث شد که اجرای راهکارها را به سمتی ببرم که در جهت رفع مشکل دانش‌آموز، از گوشی، استفاده بهینه کنم. درواقع با شناسایی علایق دانش‌آموز این ذهنیت در وی ایجاد شد که او برای من دارای اهمیت است و کارها و فعالیت‌های او برایم ارزشمند می‌باشد. بنابراین سعی کردم ضمن تقویت نقاط قوت ایشان بخشی از تکالیف متناسب با توانایی ایشان را در فضای نرم افزار شاد انجام بدهم.

در گام دوم برای اجرای راه کار شماره دو سعی بر آن شد که کاربرگ های به آرشام بدهم که به صورت داستان وار و سلسله-مراتبی فرآیند انجام تکلیف را پیش ببرد تا از روند کار لذت ببرد و برای انجام فعالیت از ابزار و وسایل معرفی شده در کاربرگ استفاده کند. همچنین در کلاس با گروه بندی و تقسیم مسئولیت بین افراد هر گروه برای انجام تکلیفی واحد سعی بر آن داشتم که آرشام برخلاف کار فردی که زود خسته می شد با انجام مسئولیت خود در گروه احساس شایستگی کند. برای ایجاد انگیزه ی بیشتر آرشام در مشارکت با گروه خود بیشتر اوقات به ایشان نقش ناظر می دادم تا روند حل مسئله و تکلیف را توسط هم گروهی هایش ببیند و در مواقعی هم به عنوان عضو عادی سعی داشتم میزان فهم ایشان را از روند انجام تکلیف و مطالب بسنجم.

درواقع راهکارهای ۱ و ۲ شناخت علایق دانش آموز و ارائه تکالیف متناسب با توانایی ایشان، نوعی زمینه سازی برای اجرای انجام تکالیف در خانه بود. تمرکز اصلی من روی این بخش از فعالیت دانش آموز بود زیرا ایشان در کلاس با مشارکت و همراهی همکلاسی ها تا حدودی شروع به فعالیت و درگیری در جریان آموزش و یادگیری کرده بود. اما مسئله ی بعدی تکالیف خانگی بود برای این منظور نیز ابتدا با برگزاری جلسات منظم دو هفته ای با والدین آرشام سعی بر آن شد تا آموزش روش های صحیح حمایت تحصیلی و عاطفی از طرف والدین با تاکید بر این مهم که آرشام وارد دوره ی نوجوانی می شود و و یکی از نیازهای اساسی روانی ایشان تامین حس شایستگی است و همچنین اصلاح محیط یادگیری در منزل مطابق با استانداردهای روان شناسی تربیتی و کیفیت بخشی به زمان انجام تکالیف توسط آرشام سعی در انجام گام بعدی برداشتم. برای این منظور سعی بر آن داشتم ارزیابی بخش کوچکی از انجام تکالیف ایشان را برعهده ی والدینش بگذارم و در این راستا با طراحی فرمی، هر روزه والدین میزان رضایت خود را از رفتار آرشام در خانه و روند انجام فعالیت های تحصیلی اش را گزارش می دادند. به صورتی که این روند تا پایان سال ادامه داشت. لازم به ذکر است از ابتدای شروع پژوهش در جلسه های که در دفتر مدرسه با حضور آموزگاران محترم سال قبل آقای یوزی و مدیر ارجمند آقای اسماعیل جواهری و معاون آموزشی آقای شمس الله رحمانی داشتم از آن ها نیز خواستم اگر در این زمینه تجربه های دارند در اختیارم قرار دهند و فرم نظر سنجی که در اختیارشان گذاشته را با صداقت تکمیل نمایند. نظرات خودشان را در آن فرم برای بنده بیان کردند در این راستا در جلسه ی شورای معلمان ضمن اینکه گزارشی از روند پژوهش و وضعیت آرشا به همکاران ارائه داده می شد با همکاری کادر مدرسه و مشورت گرفتن از اعضا به صورت کلی برنامه ی بعدی را در آن جلسه تعیین می کردم از جمله برنامه ریزی مشترک با مربی بهداشت برای طراحی برنامه غذایی و فعالیت های بدنی مناسب، نظارت مستمر مربی بهداشت بر رشد شاخص های سلامت جسمانی و هماهنگی با معاون آموزشی برای ایجاد محیطی حمایت گر در مدرسه.

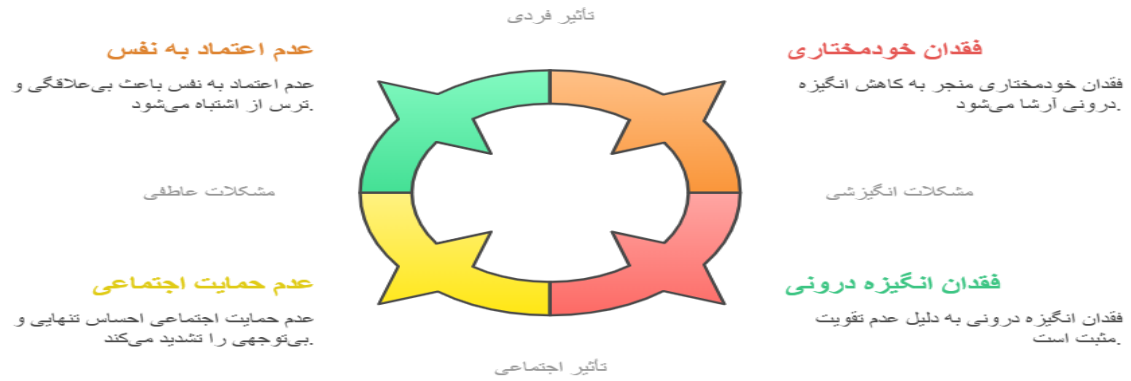
درگام آخر یعنی نظارت و ارزیابی، برای سنجش اثربخشی راهکارها، سیستم پایش زیر طراحی و اجرا شد:

به این صورت که با پرکردن ابزارهای نظارتی زیر:

- چک لیست روزانه رفتار توسط معلم
- فرم خودارزیابی هفتگی توسط آرشا
- گزارش ماهانه مربی بهداشت از وضعیت سلامت جسمانی

برای این منظور از شاخص های ارزیابی همچون میزان تکمیل تکالیف درسی و پیگیری روزانه ی انجام این کار، سطح مشارکت در فعالیت های گروهی، تغییرات وزن و شاخص توده بدنی (BMI) که گزارش آن ماهانه از مربی بهداشت گرفته می شد و همچنین ارزیابی بهبود نمرات درسی و کیفیت شاخص اعتماد به نفس آرشا استفاده می شد.

عوامل مؤثر بر انگیزه و مشارکت آرشا



شکل (۳): عوامل بی‌انگیزه‌گی

شواهد ۲ (گرد آوری اطلاعات) و ارزشیابی تاثیر راه حل اجرا شده

با استناد به پژوهش‌های انجام شده، پس از اجرای نظام مند راهکارهای طراحی شده و نظارت مستمر بر روند پیشرفت، تغییرات مثبت قابل ملاحظه‌ای در رفتار و عملکرد آرشا علی محمدی مشاهده گردید. به طوری که ابتدا هنگام ارائه‌ی تکلیف (کاربرگه) ویژه‌ای که برای ایشان طراحی می‌کردم در مورد چگونگی انجام دادن آن برای آرشا توضیح می‌دادم و در این حین سعی می‌کردم که با تقویت کردن توانایی ایشان و گفتن این که این تکلیف را به آسانی می‌توانی حل کنی خودکارآمدی ایشان را بالا ببرم تا دیدگاه او را راجع به تکلیف خانه تغییر داده باشم. برای نشان دادن روند پیشرفت دانش‌آموز، پس از مشاهده‌های انجام شده و اجرای راهکارهای منتخب، از مقیاس درجه‌بندی نگاره‌ای استفاده کردم که به شرح ذیل است.

مهر (وضعیت اولیه):

در آغاز سال تحصیلی، آرشا علی محمدی با چالش‌های قابل توجهی در زمینه‌های تحصیلی مواجه بود. تنها ۳۰٪ از تکالیف را به طور کامل انجام داده و مشارکت کلاسی او نیز ۲۵٪ بود. نمرات در سطح «نیاز به تلاش بیشتر» قرار داشت و اعتماد به نفس او در سطح «ضعیف» ارزیابی شد. این وضعیت نشان‌دهنده نیاز فوری به مداخله آموزشی و روانی برای ایجاد انگیزه، افزایش خودباوری و سازمان‌دهی بهتر فرآیند یادگیری بود.

آبان (شروع مداخلات):

در آبان ماه، اقدامات و مداخلات آموزشی و تربیتی آغاز شد. با اجرای برنامه‌هایی مانند جلسات گفت‌وگو با دانش‌آموز و والدین، تشویق‌های هدفمند، و استفاده از فعالیت‌های گروهی، اولین نشانه‌های بهبود ظاهر شد. میزان تکمیل تکالیف به ۵۰٪ و مشارکت کلاسی به ۴۰٪ رسید. نمرات به سطح «قابل قبول» ارتقا یافتند و اعتماد به نفس نیز از «ضعیف» به «متوسط» افزایش یافت. این ماه، نقطه شروع حرکتی روبه‌جلو برای دانش‌آموز بود و زمینه‌ساز ادامه مسیر رشد او در ماه‌های بعدی شد.

آذر (تأثیر راهکارها):

در ماه آذر، با اجرای راهکارهای پیشنهادی در زمینه‌های مختلف آموزشی، شاهد بهبود قابل توجهی در عملکرد تحصیلی آرشا علی محمدی بودیم. میزان تکالیف کامل شده به ۷۰٪ و مشارکت کلاسی به ۶۰٪ رسید. نمرات به سطح «خوب» ارتقا یافت و اعتماد به نفس دانش‌آموز نیز در سطح «خوب» تثبیت شد. این موارد نشان‌دهنده اثربخشی راهکارهایی چون تشویق مثبت، مشارکت فعال خانواده و بهره‌گیری از روش‌های یادگیری تعاملی بود.

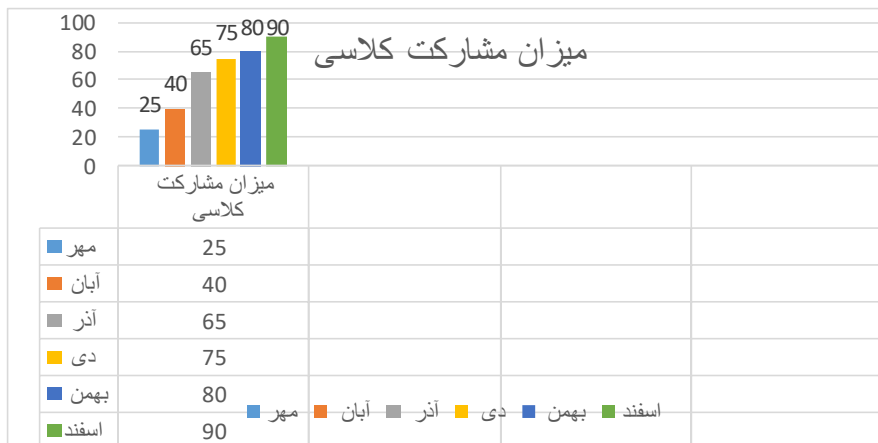
دی (ثبات پیشرفت):

در ماه دی، روند پیشرفت دانش‌آموز با ثبات ادامه یافت. با اینکه میزان رشد نسبت به آذر افزایشی چشمگیر نداشت، اما حفظ سطح عملکرد در شاخص‌های مختلف مانند تکالیف (۸۵٪)، مشارکت کلاسی (۷۰٪) و نمرات (خوب) نشان‌دهنده تثبیت نتایج حاصل از راهکارها و تبدیل آن‌ها به عادات یادگیری مؤثر در دانش‌آموز بود. اعتماد به نفس همچنان در سطح «خوب» حفظ شد.

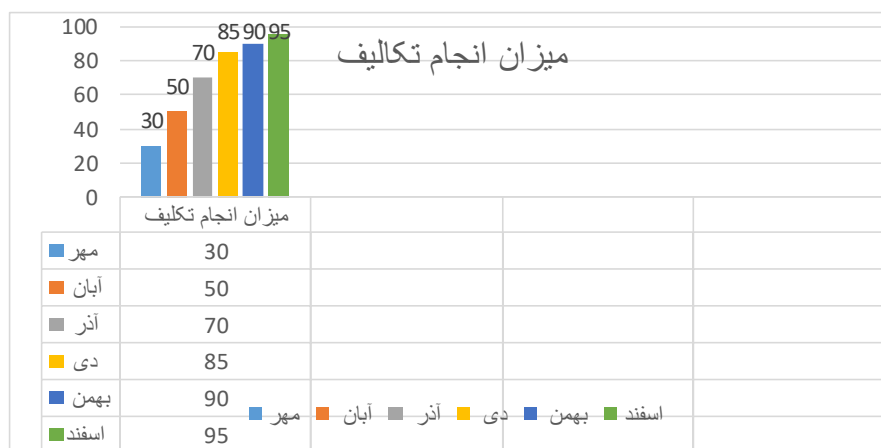
بهمن (حفظ روند):

در بهمن ماه، با حفظ استمرار راهکارها و حمایت‌های آموزشی، دانش‌آموز به سطح بالاتری از عملکرد رسید. تکالیف به ۹۰٪، مشارکت کلاسی به ۸۰٪ و نمرات به سطح «خیلی خوب» ارتقا یافت. همچنین اعتماد به نفس آرشا به سطح «عالی» رسید که بیانگر رشد شخصی و درونی او در فرآیند یادگیری بود. این پیشرفت نشان می‌دهد که آرشا توانسته است با انگیزه و تمرکز بیشتری در فرآیند یادگیری حضور یابد.

اسفند (دست‌آورد نهایی): در ماه پایانی سال تحصیلی، آرشا علی محمدی به دست‌آورد نهایی و سطحی عالی از توانمندی تحصیلی و شخصی دست یافت. شاخص‌ها نشان می‌دهد که ۹۵٪ از تکالیف را کامل کرده، مشارکت کلاسی به ۹۰٪ افزایش یافته و نمرات در سطح «خیلی خوب» باقی مانده‌اند. همچنین، سطح اعتماد به نفس همچنان «عالی» است. این نتایج نشان‌دهنده موفقیت کامل روند اقدام پژوهی و تثبیت پایدار پیشرفت‌های دانش‌آموز است.



نمودار ۱: میزان مشارکت کلاسی



نمودار ۲: انجام تکالیف

شاخص‌های اندازه‌گیری:

تکالیف کامل	مشارکت کلاسی	نمرات	اعتماد به نفس	ماه
۳۰٪	۲۵٪	نیاز به تلاش بیشتر	ضعیف	مهر
۵۰٪	۴۰٪	قابل قبول	متوسط	آبان
۷۰٪	۶۵٪	خوب	خوب	آذر
۸۵٪	۷۵٪	خوب	خوب	دی
۹۰٪	۸۰٪	خیلی خوب	عالی	بهمن
۹۵٪	۹۰٪	خیلی خوب	عالی	اسفند

تحلیل نتایج:

- رشد ۶۳٪ در انجام تکالیف
- افزایش ۳۵٪ در مشارکت کلاسی
- پیشرفت ۵۸٪ در نمرات (از قابل قبول به خیلی خوب)
- تحول چشمگیر در اعتماد به نفس

نکات کلیدی نمودار:

- از آبان تا آذر: بیشترین رشد با اجرای مداخلات آموزشی
- از دی به بعد: تثبیت رفتارهای مثبت
- بهمن و اسفند: دستیابی به خودتنظیمی تحصیلی

اعتباربخشی به راه‌حل‌ها

اعتباریابی در اقدام‌پژوهی، معمولاً با ارائه گزارش پژوهش برای داوری به گروهی پژوهشگر که در ضمن پژوهش با آن در ارتباط می‌باشد، همراه است (بختیاری و آقاخانی، ۱۳۹۸). اعتباریابی در اقدام‌پژوهی امری بسیار مهم است و در گزارش اقدام-پژوهی حتماً باید بدان اشاره شود. در چرخه اقدام‌پژوهی، ابزار جمع‌آوری اطلاعات و اندازه‌گیری داده باید از اعتبار و روایی خاصی برخوردار باشد، در غیراینصورت گزارش‌ها به صورت ناقص خواهد بود (بختیاری و آقاخانی، ۱۳۹۸: ۸۲). در پژوهش حاضر نیز از روش‌های خوداعتباریابی، اعتباریابی توسط همکاران و اعتباریابی آکادمیک استفاده شده است. در روش خوداعتباریابی، پژوهشگر به‌عنوان یک فرد مسئول در پژوهش نشان می‌دهد که چگونه کارها به همان صورت که می‌خواسته پیش رفته است. بنابراین تمام مشاهدات، مصاحبه‌های حضوری و فعالیت‌های انجام‌شده هنگام اجرای طرح را به‌صورت یادداشت روزانه ثبت کردم. در اعتباریابی توسط همکاران از افراد یا همکارانی که به نوعی در فرایند پژوهش دخیل هستند نظرخواهی کردم.

بحث و نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی و رفع مشکل بی‌علاقگی و کم‌کاری در انجام تکالیف یکی از دانش‌آموزان پایه ششم دبستان شهید فرید تعریف (شهرستان کامیاران) انجام شد. مطالعات شيربگی و وکیلی (۱۳۹۲) که نشان دادند «نگرش مثبت به تکالیف» مستقیماً بر «مدیریت مؤثر تکالیف» تأثیر می‌گذارد. این یافته در پژوهش ما نیز از طریق بررسی رابطه بین انگیزه درونی آرشا و کیفیت انجام تکالیف تأیید شد.

یافته‌های کورنو (۲۰۰۰) درباره نقش حمایت‌های آموزشی معلمان و مطالعات اپستین، ون و رهیس (۲۰۰۱) در مورد مشارکت والدین، به عنوان مبانی نظری برای طراحی مداخله‌های این پژوهش استفاده شدند. به طور مشخص:

در بخش «راهکارهای معلم‌محور» از اصول کورنو در طراحی تکالیف هدفمند الهام گرفته شد.

در بخش «درگیرسازی والدین» از الگوی سه‌جانبه اپستین (مدرسه-خانواده-دانش‌آموز) بهره برداری شد.

تکمیل خلأهای پژوهشی: در حالی که پژوهش‌های مذکور به بررسی کلیات رابطه عوامل مختلف با تکلیف پرداخته‌اند، این مطالعه با تمرکز بر «مورد خاص» و با روش اقدام‌پژوهی، به دنبال شخصی‌سازی راهکارها برای دانش‌آموز مورد مطالعه ارائه الگوی عملی قابل اجرا در بافت کلاسی است. توجه به کودکان در اوایل زندگی و دوران تحصیل اولیه یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های والدین و معلمان است. در این مرحله، کودکان نه تنها نیاز به یادگیری علمی دارند، بلکه نیازهای عاطفی، اجتماعی و روانی آن‌ها نیز باید شناسایی و برآورده شود. عدم توجه کافی به این جنبه‌ها می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند که بر اعتماد به نفس، انگیزه و عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد. تجربه ما با آرشا علی‌محمدی، یکی از دانش‌آموزان پایه ششم، نمونه‌ای از این موضوع بود.

در این پژوهش، اقدام پژوهی سعی می‌کند با استفاده از راه‌حلهایی که با مطالعات مختلف و بررسی‌های متنوع به آنها دست یافت برای حل مشکل دانش‌آموزان در زمینه بی‌علاقگی به انجام تکالیف منزل گامی بردارد. در این راستا سعی می‌کند به علائق دانش‌آموزان توجه نماید. به ویژه به روشهایی که با ایجاد امنیت خاطر همراه بود؛ تا با ایجاد علاقه در دانش‌آموزان آنان را به فعالیت واداشته و انجام تکالیف را برایشان، جذاب و شیرین کند. محقق سعی نمود مشکل دانش‌آموزی را که با آینده و پیشرفتش در کارهای بعدی کاملاً در ارتباط بود حل نماید و اضطراب و تنش‌هایی را که به همین دلیل با آنها دست به گریبان بود رفع کند.

نتایجی که پس از اجرای این طرح حاصل گردید به شرح ذیل است:

- آرشا توانست تنبلی را کنار گذاشته و با علاقه با انجام تکالیفش می‌پرداخت.
- آرشا توانمندی خود را درک کرد.
- اعتماد به نفس بالایی به دست آورد.
- اضطراب او در اثر نداشتن تکلیف از بین رفت.
- به عنوان دانش‌آموز برتر معرفی گردید.
- والدین آرشا نیز از پیشرفت چشمگیرش خوشحال بودند.
- شرکت در مسابقات و جشنواره‌ها

منابع

- ۱-بازرگان، زهرا (۱۳۹۶) "آیا انجام تکلیف شب به عملکرد درسی بهتر می انجامد؟"، ماهنامه رشد آموزش ابتدایی، سال ۹۵-۹۶، شماره ۷
- ۲-سیف، علی اکبر (۱۳۹۱). "روانشناسی پرورشی نوین-روانشناسی یادگیری و آموزش"، تهران: نشر دوران: ویرایش هفتم.
- ۳-شیربگی، ناصر؛ وکیلی، ناهید (۱۳۹۲)، "بررسی نگرش دانش آموزان به تکلیف درسی و ارتباط آن با راهبردهای مدیریت تکالیف"، *مجله علمی مطالعات آموزش و یادگیری*، دوره پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۸۷-۱۱۲ (مجله علوم اجتماعی و انسانی سابق)
- ۴-قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۹)، "راهنمای معلمان پژوهنده، چاپ پنجم"، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت
- Begley, S. (1991). Homework doesn't help. *Newsweek*, 191(19), 21-21
- Corno, L. (5111). Looking at homework differently. *The Elementary School Journal*, 111, 259– 241.
- Epstein, JL., & Van Voorhis, FL. (2001). more than minutes: teachers' roles in designing homework. *educational psychologist*, 36, 181-193
- Kill Oran, I. (5119). Why is your homework not done? How theories of development affect your approach in the classroom. *Journal of Instructional Psychology*, 91, 919-912.
- Leone, C. M., & Richards, M. H. (1919). Classwork and homework in early adolescence the ecology of achievement. *Journal of Youth and Adolescence*, 11, 291-241.
- Muhlenbruck, L., Cooper, H., Nye, B., & Lindsay, JJ. (2000). Homework and achievement: explaining the different strengths of relation at the elementary and secondary school levels. *Social Psychology of Education* 3, ۲۹۵-۳۱۷
- Muhlenbruck, L., Cooper, H., Nye, B., & Lindsay, JJ. (2000). Homework and achievement: explaining the different strengths of relation at the elementary and secondary school levels. *Social Psychology of Education* 3, ۲۹۵-۳۱۷
- Pintrich, P. (2000). The role of goal orientation in self-regulated learning. In M. Boekaerts, P. R. Pintrich, & M. Zeidner (Eds.), *Handbook of self-regulation* (451-502). San Diego, CA: Academic Press
- Pintrich, SR., & Degroot, EV. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of educational psychology*. 82, 33-40
- Rosário, P., Núñez, J. C., Vallejo, G., Nunes, T., Cunha, J., Fuentes, S., & Valle, A. (5111). Homework purposes, homework behaviors, and academic achievement. Examining the mediating role of students' perceived homework quality. *Contemporary Educational Psychology*, 29, 161-111.
- Trautwein, U., & Koller, O. (2003). The relationship between homework and achievement-Still much of a mystery. *Educational Psychology Review*, 15, 115- 145
- Xu, J., & Wu, H. (5119). Self-Regulation of homework behavior: Homework management at the secondary school level. *The Journal of Educational Research*, 116(1), 1-19.

چک لیست هفتگی پایش پیشرفت آرشا

(ویژه معلم/مربی بهداشت)

هفته

دانش آموز: آرشا علی محمدی

پایه : ششم

امتیاز هفته (۵-۱)	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یک شنبه	شنبه	ملاک ارزیابی	ردیف
						تکالیف را کامل انجام داد	۱
						در فعالیت های گروهی مشارکت کرد	۲
						ورزش/پیاده روی روزانه را انجام داد	۳
						از غذاهای سالم استفاده کرد	۴
						باز خورد مثبت دریافت کرد	۵

امتیازبندی :

۵ = عالی، ۴ = خوب، ۳ = متوسط، ۲ = نیاز به بهبود، ۱ = ضعیف

امضا معلم

فرم خودارزیابی هفتگی آرشا

(ویژه دانش آموز)

نام: آرشا علی محمدی

تاریخ.....

۱. این هفته چقدر به انجام تکالیف علاقه داشتیم؟

😊 (خیلی زیاد) - 😊 (زیاد) - 😐 (متوسط) - 😞 (کم) - 😡 (اصلاً)

۲. چه احساسی هنگام کار گروهی داشتیم؟

• اعتماد به نفس: بالا / متوسط / پایین

• لذت از همکاری: بله / خیر

۳. برنامه غذایی و ورزشی من این هفته چگونه بود؟

• تعداد روزهای رعایت برنامه: _____ از ۵ روز

• دشواری برنامه: آسان / قابل تحمل / سخت

امضا